

## راه کارهای قرآنی وحدت و تقریب

راه کارها و سیاست‌ها جهت عملی کردن تقریب و حرکت به سوی وحدت با رویکرد قرآنی<sup>۱</sup>

فاطمه ناصر معدلی<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی به این مسئله می‌پردازد که برای ایجاد تقریب و نزدیکی بین پیروان مذاهب اسلامی و رسیدن به امت واحده، راه کارهای عملی و روشنی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیش روی ما قرار دارد و امید است با تحقق بخشیدن به این راه کارها، گام‌های بلندی در ایجاد وحدت بین مسلمانان برداشته شود. بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که مقصود ما از مذاهب اسلامی، مکاتب معروف فقهی مستند به کتاب و سنت است و هر جا نامی از مذاهب اسلامی به میان می‌آوریم، منظورمان مذاهب شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی از اهل سنت و زیدی و اثنی عشری از شیعیان و مذهب اباضی است. **واژگان کلیدی:** راه کارهای تقریب، مذاهب اسلامی، میثاق وحدت، بیداری اسلامی، اتحاد جماهیر اسلامی، وحدت رهبری.

### طرح مسئله

قبل از ظهور اسلام، مردم در جهل و اختلافات ریشه‌دار و عمیقی به سر می‌بردند و زندگی پر تنشی داشتند. خداوند با بعثت پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آرامش را بر مردم حجاز حکم فرما نمود. اسلام با

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۴/۸؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۲۲.

۲- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (با گرایش تفسیر قرآن).

تربیت خود کسانی را که از نظر تمدن زبون بودند، به اوج رساند و آنها را به افرادی خداشناس تبدیل کرد و الفت و برادری را جایگزین اختلافات کینه‌ای نمود.

در طول سالیانی که از مبعث می‌گذرد، مسلمانان دوران مختلفی را پشت سر گذاشته‌اند؛ گاهی در اوج مهربانی و برادری، زمانی در نهایت دشمنی و برادرکشی و در مواقع دیگری نیز در وضعیتی میان این دو قرار داشتند. تقریباً پس از دوران حضور نبی ﷺ، چنین آرامشی به جامعه بازنگشت و فرو افتادن در چاه اختلافات، تا کنون مشکلات فراوان و بزرگی را برای مسلمانان ایجاد کرده است.

همان کسی که قرآن را نازل کرده و ما را به پیروی از شریعت جاودانه اسلام امر نموده است، از ما می‌خواهد که با یکدیگر تعاون داشته باشیم و به منازعه و مجادله نپردازیم. ما برای رفع تمام تاریکی‌هایی که در طول این سال‌ها اصل اخوت اسلامی را در بر گرفته است، باید همت واقعی خود را به کار گیریم و با دیدی سرشار از ایمان و حسن نیت به زدودن این تاریکی‌ها اقدام و حقیقت را جایگزین آن کنیم و جامعه را به سمت وحدت اسلامی سوق دهیم.

وحدت اسلامی در حقیقت، تعاون و همکاری بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی است، به صورتی که امت اسلامی، موضع واحدی را برای تحقق مصالح عالی‌ه اسلام و مسلمین در برابر دشمنان در پیش گیرد و در قلب و عمل خود، همه پیروان مذاهب اسلامی را محترم بشمارد.

تقریب مذاهب، یکی از راه‌های فکری برای رسیدن به وحدت اسلامی است. در این راه روشن، پیروان مذاهب اسلامی با تأکید بر مشترکات و تحمل اختلافات، به یکدیگر نزدیک می‌شوند و به دنبال شناخت یکدیگر برای رسیدن به برادری ناب و یاری در امور مشترک هستند.

مهم‌ترین مسئله‌ای که در ظاهر، گسستگی و عدم اتحاد را نشان می‌دهد، اختلافات مذهبی است و آنچه در این مجال به آن اهتمام شده، اشاره به کوچک بودن این اختلافات در برابر عظمت اشتراکات است و این که بسیاری از عالمان مذاهب، تلاش‌های بسیاری انجام دادند ولی متأسفانه بسیاری از بدخواهان و عده‌ای از ناآگاهان، کارشکنی‌هایی انجام دادند و مسیر این حرکت را مسدود نمودند.

اصلی‌ترین راه حل این است که ما حقیقت و عظمت تعالیم اسلام را درک کرده و باور کنیم که اختلافات ما جدی نیست و مسلمانان را در هر صورت برادر بدانیم. ما باید مسائل خود را به ترتیب دسته‌بندی نماییم و در ابتدا به آنهایی پردازیم که در راستای مصلحت مسلمانان می‌باشد. با چنین باوری تا رسیدن به اتحاد حقیقی، راه کوتاه و روشنی را پیش رو خواهیم داشت.

## متن مقاله

خداوند متعال در سوره شوری پس از بیان تحقق اختلاف بین مردم به سبب سرکشی پس از علم آنان، چندین راه کار وحدت بخش را به ما ارائه می دهد که بدین شرح است:

«فَلذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری / ۱۵).

اولین راه کار، دعوت به سوی خداوند است. پروردگاران از ما خواسته است تا به بزرگترین عامل وحدت که همان ایمان به خدای واحد و پس از آن کتب آسمانی (دربرگیرنده شرایع نورانی الهی) است، (اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ) روی آوریم و در حقیقت بهره گیری از این روش، سبب اتحاد تمام پیروان ادیان آسمانی خواهد شد.

دومین راه، عمل به آنچه خداوند فرموده، بدون کم و زیاد، است و این که در این مسیر نباید کج رفته و از هوای نفس خودمان و یا دیگری پیروی کنیم؛ «لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ».

اجرای عدالت و منصف بودن، عامل دیگری است که برای رسیدن به وحدت ضروری است؛ «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ».

عامل دیگر این است که هیچ کدام به خاطر عمل دیگران مؤاخذه نمی شویم؛ «لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ»، این مطلب در جایی اهمیت خود را نشان می دهد که ما به خاطر عقاید پیروان مذهب دیگر، دچار ناراحتی و عصبانیت می شویم و بر تغییر اعتقاد آنها اصرار داریم و این در حالی است که پیروان آن مذهب، عقیده خود را صحیح می دانند. در این جا خداوند از ما می خواهد که به مجادله و دعوا نپردازیم و به دنبال غالب کردن نظر خود و تحمیل آن بر دیگران نباشیم بلکه اشتراکات را محکم بگیریم و اختلافات را رها کرده و آن را به خدا بسپاریم؛ «لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ». زیرا همه به سمت خدا برمی گردیم و او بین ما قضاوت خواهد کرد و حق را بر کرسی خواهد نشاند. (بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۱۵-۱۷).

۱- پس به سوی همان (شریعت، مردم را) دعوت کن و همان گونه که مأموری پایداری نما و از هوا و هوس های آنان (کفار و مشرکان) پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا فرو فرستاده ایمان آوردم و مأمورم که میان شما عادلانه رفتار کنم، خداوند پروردگار ما و شماست، (نتایج) عمل های ما از آن ما و عمل های شما از آن شماست، دیگر محاجه و استدلالی میان ما و شما (پس از روشن شدن حقایق و ظهور عناد شما) نیست، خداوند میان همه ما (در روز واپسین) جمع خواهد نمود و بازگشت همه به سوی اوست.

آنچه که در این جا قصد پرداختن به آن را داریم، بیان مهم‌ترین راه‌کار در مسیر تحقق وحدت است و بهتر است قبل از پرداختن جداگانه به هر دسته از راه‌کارها، به برخی مباحث مشترک اشاره کنیم.

قرآن دوست ندارد که مسلمانان به چیزی که گفتن آن فایده‌ای در بر ندارد و در اصلاح حال دیگران بی‌تأثیر است، مشغول گردند و از همه بدتر، بحث و گفت‌وگویی است که به تفرقه و پراکندگی در دین و تشکیک در قضایا منجر گردد. (حسنین، ص ۱۴۵).

ما باید با یاری گرفتن از خداوند و تمسک به حبل الهی در تحقق و حفظ وحدت کوشا باشیم و باور کنیم که رسیدن به آن امکان‌پذیر است، زیرا همین که «خداوند ما را گوناگون آفرید و به وحدت امر کرد و از تفرقه باز داشت، نشانگر این حقیقت است که رسیدن به وحدت، میسر و پرهیز از تفرقه ممکن است.» (برگرفته از: جوادی آملی، سخنرانی در دومین کنفرانس وحدت اسلامی، منشور هم‌بستگی، ص ۲۸).

حال با مورد توجه قرار دادن نکات بالا به بیان مهم‌ترین راه کارهای تقریب مذاهب اسلامی در زمینه‌های مختلف می‌پردازیم:

## ۱- راه کارهای علمی - فرهنگی

یکی از مسئولیت‌های ما مواظبت از وحدت امت اسلامی از طریق تقریب و تفاهم بین علما و کارگزاران و حفظ اهداف با روش‌های متناسب با جامعه امروزی است. با این کار، از آینده امت اسلامی پاسداری می‌کنیم.

در غیر این صورت نمی‌توانیم انتظار خیر و نیکی داشته باشیم و همه باید مسئولیت نابودی، هدر رفتن تلاش‌ها و توانمندی‌ها و سودجویی دشمن از ضعف و تفرقه ما را بر عهده بگیرند.

بنابراین، جا دارد که مسئولیت خطیر علماء، اندیشمندان، دعوت‌کنندگان و اصلاح‌گران را در قبال اقدام به موقع و مقتدرانه ایشان در خصوص وظایفی که از آنها انتظار می‌رود یادآور شویم تا امت اسلامی را از وضعیت تلخ موجود نجات دهند و در مقابل چالش‌های خطرناکی که فراروی آن قرار دارد، محافظت نمایند (برگرفته از: عدنان، مقاله بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، ص ۳۸۴).

در این قسمت به بیان مهم‌ترین راه کارهای مؤثر که در پیشبرد کیفی حرکت تقریب می‌پردازیم تا با تقویت محتوای این دعوت و جلوگیری از تحقق موانع پیش روی آن، راه را برای رسیدن به امت واحده هموار کنیم:

## الف) شناخت اسلام حقیقی

اگر بخواهیم راهی مستقیم و روشن به سوی نجات، اصلاح و سربلندی خود بیماییم، باید به دین و شریعتی که خداوند به ما عنایت فرموده ایمان واقعی پیدا کنیم و افکار ناصحیح را از ذهن برخی از متفکران خود دور سازیم که می‌گویند اسلام مانند سایر ادیان با زندگی ارتباطی ندارد و صلاحیت ندارد که پایه نظام و سیاست ملت‌ها باشد، زیرا این افکار خطرناک‌ترین اندیشه برای مسلمانان و پلیدترین ایده‌ای است که دشمنان اسلام توانسته‌اند بر مغز فرهنگیان و زمامداران فرو ببرند. تنها راه دور ساختن این افکار، این است که علم و آگاهی صحیح به آیین اسلام پیدا کرده و نیکی و اعتلا و عظمت اسلام را بیان نماییم و به مصادر اولیه‌ای که به صفا و آسانی و روشنی ممتاز است، مراجعه کنیم.

اقبال معتقد بود «خود» حقیقی این جامعه و «خویشتن» اصیل آن، اسلام و فرهنگ اسلامی می‌باشد که جامعه اسلامی در عصر حاضر در رویارویی با تمدن و فرهنگ غربی دچار گم‌گشتگی، تزلزل شخصیت و بی‌هویتی شده است. از این رو وی نخستین اقدام ضروری برای مصلحان را بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به «خود» حقیقی او، یعنی به فرهنگ و معنویت اسلامی، می‌دانست (برگرفته از: مطهری، ۱۳۸۳ش، ص ۵۰-۵۴).

## ب) ایجاد و تعمیق موج بیداری اسلامی

در کنار کلمه وحدت باید کلمه بیداری را بگذاریم، زیرا در طی چهارده قرن، اسلام هرگاه حرکتی را آغاز نموده، قبل از دعوت مردم به وحدت، آنان را بیدار و آگاه کرده و یا در کنار دعوت به وحدت کلمه، آنها را متوجه خودشان و متوجه وضعیت، ظرفیت‌ها و سرنوشتشان نموده است، چون وحدت بدون بیداری و اتحاد بدون آگاهی، چندان مفهومی ندارد و پایدار نمی‌ماند (ولایتی، سخنرانی در سومین کنفرانس وحدت اسلامی، منشور هم‌بستگی، ص ۱۶۷).

«دشمنان اسلام اجازه نمی‌دهند که ما متحد شویم، زیرا زمام امور تمام امت‌های اسلامی را در دست دارند و از این رو نمی‌پذیرند که ما مسلمانان همگی بر سر سفره اسلام جمع شویم، چرا که پایان چپاولگری و استعمار خویش را در اجتماع و اتحاد ما می‌بینند.

از این رو چاره خلاصی این است که هر مملکتی عجالتاً در حدود دایره خود بپا خیزد و خود را از سلطه اجانب نجات بخشد. آن‌گاه که همه خود را از استعمار رهانیدند، می‌توانند بنا بر عزت و آزادی خود جمع آیند و از امور زندگانی و دینی خود بدان سان که باید و شاید، چاره‌اندیشی نمایند و به ندای حق که آنان را جاودانه به روز قیامت فرا می‌خواند، گوش فرا دهند.» (ابوزهره، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳۰).

اولین کار مهم این است که باید موج بیداری ایجاد کنیم و مردم را هوشیار و آگاه سازیم، ارزش استقلال دنیای اسلام و خطر و ضرر سلطه کفر را برای آنها بیان نماییم و خسارت‌هایی را که در طول

دوران استعمارگری به دنیای اسلام زده‌اند، برایشان بازگو کنیم. مثال و نمونه‌های فراوانی هم در طول تاریخ برای آن وجود دارد که در سال‌های اخیر در فلسطین، افغانستان، پاکستان، عراق، بحرین، یمن، لیبی و امثال آن به وقوع پیوسته و درک عمق فاجعه آنها برای ما ملموس است. پس وظیفه ما، تقویت این حرکت در دنیای اسلام است و نیروهای علمی و فرهنگی جهان اسلام، از طلایه‌داران این حرکت هستند.

### ج) شورای فتوای جهانی اسلام

اسلامی که به عنوان خاتم ادیان آمده و باید تا قیامت حاکم باشد، بدون اجتهاد زنده و به روز نمی‌تواند جوابگو باشد. فقها باید مسائل دنیا و اسلام را بررسی کنند و با مبنای شرع و عقل تصمیم بگیرند و راه‌کار ارائه دهند و از تعصب‌ها و لجاجت‌ها جلوگیری کنند و اصولی را به مردم معرفی نمایند که با زمان ما و آینده تاریخ تناسب داشته باشد.

باید گروهی از چهره‌های شناخته شده و موّجه، این کار را برعهده بگیرند که فداکاری و شجاعت داشته باشند و از دشمنان خارجی و مخالفان داخلی نترسند و به هیچ جریان سیاسی وابسته نباشند، زیرا «این کار از عهده چند نفر مجتهد بر نمی‌آید، نیاز به شورای فتوای جهانی اسلام دارد. نیاز به شورای فتوای داخل حکومت‌های اسلامی دارد. باید تخصص‌های فراوانی به کار گرفته شود تا اسلام را بشناسیم و به فراخور زمان، اجتهاد و استنباط کنیم و تصمیمات مناسب روز بگیریم. اگر این‌گونه عمل کنیم، حق هدایت قطار جهانی شدن و جهان‌شمولی را داریم... اسلام واقعی و فطری با همان مبانی و اجتهاد زنده است و با آن اصولی که همیشه باید محفوظ باشد، امروز مترقی‌ترین مبنا و بهترین راه‌کارها را دارد که باید با اجتهاد زنده به روز شود که این امر به دانشمندان (علما) مربوط می‌شود و مسئولیت آنها را زیاد می‌کند.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۵).

### د) میثاق وحدت اسلامی

ما باید میثاق و عهدنامه‌ای بین اقشار و مذاهب مختلف داشته باشیم و البته آن میثاق و عهدنامه باید به گونه‌ای تدوین شود که همه مذاهب پذیرای آن بوده و در عمل به آن متعهد باشند. مواد مرتبط در زمینه فرهنگی و اجتماعی آن به شرح زیر است:

#### ۱) حسن تفاهم و شناخت طرفین

خراب کردن دیوارهای سوء تفاهم، مهم‌ترین وظیفه‌ای است که در راه تقویت دین به واسطه محکم کردن اتحاد مسلمانان باید انجام داد (مطهری، ۱۳۸۶ش، ص ۸۱). باید کلیه فرقه‌ها و مذاهب

مختلف امت اسلامی بر مبنای آیه «لَوْ لَا... ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا»<sup>۱</sup> (نور/ ۱۲) نسبت به عقاید و افکار و اعمال یک‌دیگر با حسن ظن برخورد کنند (مدنی، منشور هم‌بستگی، ص ۲۵۸) و شکاف‌هایی که ناشی از خوب درک نکردن یک‌دیگر است باید از میان برود و مذاهب اسلامی باید یک‌دیگر را آن‌طور که هستند بشناسند و تصور نکنند و تصورات دروغ و موهوم نسبت به برادران خود را از خود دور کنند (مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری ۲، ص ۲۰۷).

اقدامات مربوط به حسن تفاهم را باید در دو قسمت انجام داد: بخش اول، بررسی سوء تفاهمات و توهماتی که دیگران در مورد شیعیان و به خصوص ایرانیان دارند.

در این زمینه یک روش آن است که بگوییم همه مردم بدانند ما به دلیل عمل به توصیه پیامبر ﷺ از خلیفه منصوب او پیروی کردیم. تجربه نشان داده است که چون این روش مستلزم تحقیر و تخطئه طرف مقابل است، هر چه قدر هم مستدل باشد، اثربخش نیست (پیشین، ص ۴۱۴).

روش دوم آن است که هر کدام از ما محاسن مذهب خود را به جهانیان عرضه کنیم؛ مثلاً شیعه تفاسیر، فقه، ادعیه و کتاب‌های اخلاقی خود را به پیروان سایر مذاهب معرفی کند و از شخصیت‌های برجسته تاریخ خود بگوید. ما در عمل مشاهده می‌کنیم که «مختصرالنافع» علامه حلی، چه اثر خوبی از خود به جا گذاشته است.

بخش دیگری از این اقدامات، مربوط به بررسی توهمات و سوء تفاهماتی است که ما درباره برادران اهل سنت خود داریم. باید از نزدیک با عقاید و کتاب‌های آنها آشنا شویم و خالصانه به دنبال یافتن راه حلی برای کم کردن این اختلافات باشیم (عرفانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۷).

علامه محمد تقی قمی در اولین جلسه دارالتقرب قاهره به برادران اهل سنت خود در مورد همین اقدامات می‌گوید: «آقایان! تنها راه علاج و دفع اختلاف معرفی و شناخت طرفین است. این‌جانب خواسته‌ای ندارم جز آن‌که سوء تفاهمات با معرفی عقایدمان از اذهان رفع شود... البته این کاری است بسیار مهم که در حیطة وظیفه رجال دین و شخصیت‌های بانفوذ و دور از تعصب عالم تسنن است و بحمدالله شما از بزرگان بانفوذ و شخصیت‌های مهم این دین مبین هستید.» (به نقل از: بی‌آزار شیرازی، پیشین، ص ۱۳۱).

۱- چرا درباره یک‌دیگر گمان نیک نبرند.

## ۲) حمایت همه فرقه‌های اسلامی از اوامر ولی مسلمین

مولوی اسحاق مدنی از برادران اهل سنت در کلامی نغز می‌گوید: «تا برطرف شدن همه موانع تقریب مذاهب اسلامی، تمام فرقه‌ها و مذاهب اسلامی باید از اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های ولی امر مسلمین (که با ملاحظه منافع امت اسلامی است) حمایت نمایند و ضمن این‌که آنها تابعیت کشورهای مختلف را دارند، ثابت کنند که از یک رهبری پیروی می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان ماجرای سلمان رشدی را مطرح کرد.» (مدنی، پیشین، ص ۲۵۸).

این روش اوج اقتدار مسلمانان را به جهانیان نشان می‌دهد. از نمونه‌های دیگر این تبعیت عملی، می‌توان به فرمان دیگر رهبر کبیر انقلاب اسلامی در مورد راهپیمایی جهانی روز قدس اشاره نمود.

## ۳) ایجاد و تقویت حسن سلوک در میان مسلمانان

هر یک از مسلمانان باید طبق دستور آیه «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ...» (آل عمران / ۲۸) خود را ملزم به داشتن حسن سلوک و روابط خوب با برادران مسلمانان خود که پیرو مذهب دیگری هستند، بدانند. نباید اهل ایمان را رها کرده و کفار را دوست خود انتخاب کنند و در این میان باید به تعمیق روابط وحدت‌آفرین در میان خود پردازند.

اگر گروه یا حکومتی از امت اسلامی چنین کنند، همان‌گونه که به استناد آیه «مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» رابطه آنها با خداوند قطع شده است، دیگر مسلمانان نیز باید با آنها قطع رابطه کنند، مگر در مواردی که استثنا شده است؛ «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ»؛ یعنی گروهی که برای محفوظ ماندن از شر کفار، به این کار ناچار شوند (مدنی، پیشین، ص ۲۵۹).

## ۴) نهادینه کردن تقوا و اخلاص

ملاک ارزش یک فرد از اعضای امت اسلامی نزد تمام مسلمانان تقواست و این ملاک، باید بدون احتساب مذهب و مسلک او در نظر گرفته شود.

۱- مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان دوست و یاور و سرپرست بگیرند و هر کس چنین کند در هیچ رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آن‌که بخواهید از آنان به نحوی تقیه نمایید و خدا شما را از (عذاب) خود بر حذر می‌دارد و بازگشت (همه زنده‌ها) به سوی خداست.



خداوند می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»<sup>۱</sup> (طلاق/۲ و ۳)؛ «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»<sup>۲</sup> (طلاق/ ۴)؛ «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا»<sup>۳</sup> (طلاق/ ۵) و «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۴</sup> (حجرات/ ۱۳).

بدون شک تقوا، انسان مسلمان را از آفات زندگی و بیماری های دوران حفظ می نماید و اگر تقوا نباشد، دعوت انسان مسلمان تا شب هم ادامه پیدا نمی کند، مردم نیز سخن وی را نمی پذیرند، زیرا ارتکاب گناه و نافرمانی برای بیداری امت اسلامی خطرناک تر از تیرهای دشمنان اسلام است (موسی ابوالصل، ص ۴۷۸).

در راستای همین اوامر الهی، امام صادق علیه السلام به یارانش فرمود: «تقوای خدا را پیشه کنید و در راه خدا برادران خوبی برای یکدیگر باشید و نسبت به هم دیگر صله رحم داشته باشید و نیکی نمایید و به ملاقات یکدیگر بروید.»<sup>۵</sup>

اخلاص نیز سرلوحه هرکاری است؛ «ما أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»<sup>۶</sup> (بینه/ ۵). ما موظف هستیم که در دعوت خود خالصانه عمل کنیم و به تمام شعایر الهی پای بند باشیم.

## ۵) معذور دانستن در امور اختلافی

همه پیروان مذاهب اسلامی در عمل به احکام اسلامی از قبیل: حج، زکات، خمس، روزه و غیره مطابق فتوای علمای مذاهب خود آزادند و هیچ کس حق سلب این آزادی را ندارد و نباید آن را خارج از

۱- کسی که از خدا پروا کند برای او راه خروجی (از مشکلات) قرار می دهد و او را از راهی که گمان نمی برد روزی می دهد.

۲- هر که از خدا پروا کند خدا برای او در کارهایش آسانی قرار می دهد.

۳- هر که از خدا پروا کند خدا گناهان او را می زداید و پاداش او را بزرگ می دارد.

۴- (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) مسلماً گرامی ترین شما در نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

۵- قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَرَاوَرُوا وَتَلَاقُوا (کلینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۱۷۵).

۶- با آنکه آنها (در این کتاب آسمانی) مأمور نشده اند جز به آنکه خدا را پرستند در حالی که اعتقاد و دین و طاعت خود را برای او خالص نمایند و حق گرا باشند و نماز را برپا دارند و زکات بدهند و این است دین ثابت و پایدار.

چارچوب اسلام تلقی کرد (مدنی، پیشین، ص ۲۶۱). بلکه باید برداشت‌های گوناگون از اسلام را در محدوده اجازه شرع پذیرفت و به پیروان مذاهب در اعمال شخصیه خود، آزادی داد.

برداشت‌های گوناگونی از اسلام وجود دارد و چندین فرقه اسلامی که در هر یک از آنها، جریان‌های مختلف فکری مانند معتدل، خشک، متعصب، اخباری، اصولی و ... قرار دارند. ما باید بر این گونه اختلافات فائق آییم، باید جامعه مان را رشد دهیم. تفکر آزاد در این جاها مهم است. افراد باید عادت کنند و منطقی برخورد کنند. به فهم غالب بها دهند و تضارب آرا را جدی بگیرند. این چنین روحیه آزاداندیشی با توجه به خرد، اجتهاد و حفظ اصول اسلام در مسلمانان ایجاد می‌شود.

زمانی که دو طرف گفت‌وگو به یک حقیقت واحد نمی‌رسند که بر آن متفق باشند، باید همان‌گونه که آرام و بدون جنجال بحث را آغاز کردند، آن را به پایان برسانند و فضا را ملتهب نکنند. از نمونه‌های این گونه رفتار می‌توان به آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرْتَهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلِيَّ اجْرَامِي وَ أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ» (هود/۳۵) اشاره کرد.

هنگامی که حضرت نوح حرف ناحق قوم خود را نمی‌پذیرد و آنها نیز حقیقت را قبول نمی‌کنند، ایشان با بیان این که عمل و بازتاب عمل هرکس برای خودش است و کسی برای دیگری مؤاخذه نمی‌شود بحث را تمام می‌کند.

یا در آیه «وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلِكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَأَ نَبْتَغِيَ الْجَاهِلِينَ» (قصص/۵۵) بیان می‌شود که زمانی که گفت‌وگو به مرحله بیهودگی و اتلاف وقت تبدیل می‌شود و یا جاهلان یاوه‌گویی می‌کنند، شما نه مقابله به مثل کنید و نه در آن محیط آلوده باقی بمانید، بلکه خروجی ستوده با رعایت ادب داشته باشید.

وقتی قرآن بر گفت‌وگوی میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان تأکید می‌کند و ما را به مناظره‌ای با بهترین شیوه دعوت می‌کند (لَا تَجْدُلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (عنکبوت/۴۶) پس به طریق اولی از ما می‌خواهد تا با برادران خود گفت‌وگو کنیم و از مشترکات خودمان که همان کلمه سواء است «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴) بحث به میان آوریم و در نتیجه آن بهترین تصمیمات را اتخاذ کنیم.

موضع‌گیری امام علی علیه السلام نسبت به خلیفه اول، بهترین مثال تاریخی بر پذیرش رأی مخالف است. شیخ عبدالمتعال صعیدی پس از نقل کلام امام علی علیه السلام در هنگام بیعت با ابوبکر، می‌گوید: « این کلام صراحت دارد در این که علی هنگامی که با ابوبکر بیعت کرد تا آخر بر عقیده خود بود که نسبت

به خلافت سزاوارتر است، اما نظرش آن بود که نسبت به بیعت با ابوبکر، وحدت کلمه حفظ شود و رأی خود را سبب تفرقه میان مسلمانان قرار ندهد تا آن که با ابوبکر بیعت کرد و رأی خویش را در این که نسبت به خلافت سزاوارتر است مخفی نمود. از این رو علی علیه السلام در باطن و ظاهر با ابوبکر خالصانه برخورد کرد.» (صعیدی، ص ۳۹).

ما باید در گردهمایی‌های خود با کنار گذاشتن اختلافات مذهبی و کشمکش‌های حاشیه‌ای و رقابت‌های سلطه‌جویانه و وسوسه‌های دشمنان، محیطی را پدید بیاوریم تا از همه امکانات خود برای ایده‌هایی که در این گردهمایی‌ها مطرح می‌شود، استفاده کنیم و بتوانیم نتیجه مطلوبی را از آن به دست بیاوریم.

در حقیقت ما نمی‌توانیم به حد نهایی تفاهم برسیم، از این رو در زمانی که ضرر مخالفت برای امت اسلام بیشتر و سخت‌تر از پذیرش رأی دیگری باشد باید به هنگام عدم تفاهم، نظر مخاطب خود را محترم بشماریم؛ به این صورت که ما در عین این که نظر خود را حق می‌دانیم ولی به دلیل نتیجه نگرفتن در بحث و مناظره، از مخاطب خود می‌پذیریم که بر نظر خود باقی بماند و ما هم بر نظر خود باقی می‌مانیم. در این حالت هر کدام دیگری را از پذیرش نظر خود معذور دانسته و او را سرزنش نمی‌کند.

### ۶ دوری از اقدامات تحریک‌آمیز و اتهامات بی‌پایه و اساس

کلیه پیروان فرقه‌های اسلامی، ضمن این که بحث و تحقیق و حقیقت‌جویی را با حسن نیت، پیرامون مسایل اختلافی خود ادامه می‌دهند از مطرح نمودن مسایل تحریک کننده و فتنه‌انگیز و اهانت به مقدسات یک‌دیگر دوری جویند و به دنبال تکفیر و تفسیق و تبذیر یک‌دیگر نباشند.

مسلمانان نباید یک‌دیگر را به چیزهایی متهم کنند که خود آن مذهب هم به آنها اعتقاد ندارد. خداوند به مسلمانان خطاب می‌کند که در تبلیغات، نصیحت و ارشاداتان، به کفار بد نگویید: «و لا تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فِیَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ» (انعام / ۱۰۸)، زیرا آنان نیز به خداوندی که قبولش دارند ولی برایش شریک قائل‌اند، بد می‌گویند، بدون این که بفهمند چه کار

۱- و آنها را که کفار به جای خدا می‌خوانند (مانند بت‌ها و اجنه) دشنام ندهید که آنها نیز از روی عداوت و نادانی به خدا دشنام دهند.

می‌کنند. «وقتی که ما نمی‌توانیم به یک مشرک اهانت کنیم و بد بگوییم از ترس این که او گمراه‌تر شود، چه طور جایز است که امت اسلامی، یعنی یک مذهب به مذهب دیگر توهین کند.» (مدنی، پیشین، ص ۲۶۳).

علاوه بر مقدسات مشترک میان همه مسلمانان، برخی از پیروان مذاهب، دارای مقدساتی مخصوص به خود می‌باشند. مسلمانان نباید این مقدسات را مورد بی‌حرمتی قرار دهند. اگر ما چنین کنیم، دشمنان اسلام به مقدسات مشترک ما بی‌احترامی خواهند کرد، همان‌گونه که تاکنون چندین مرتبه در کشورهای مختلف، شاهد این حرکات توهین‌آمیز بوده‌ایم.

«خداوند حرمت مسلمانان را بر همه حرمت‌ها برتری داد و حقوق مسلمانان را هنگام بستن آنها با اخلاص و توحید محکم گردانید، پس مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش در آسایش باشند و این آسایش جز با حق برطرف نشود و اذیت کردن مسلمانان حلال نیست مگر در مواردی که واجب شمره شده است.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۹، ص ۲۸۸).

ما باید از اهانت و بی‌احترامی اجتناب کنیم. «اگر ما اهانت بکنیم، همه استدلال‌هایمان را ضایع خواهیم کرد؛ یعنی از یک زبان و قلم اهانت‌گر، هیچ کس استدلال درست را هم قبول نمی‌کند.» (هاشمی رفسنجانی، پیشین، ص ۶۹).

### ۵) تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام

برافراشتن پرچم اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، می‌تواند مسلمانان را گرد هم جمع کند. در عصر کنونی این فرصت بزرگ در اختیار همه مسلمانان است، به خصوص آنهایی که مکتب اهل بیت را در عمل تحقق بخشیده و در باور و عمل به آن متصل شده‌اند.

«امروز در ایران اسلامی که حاکمیت اسلام و قرآن در آن، امیدی به همه مسلمانان عالم داده و بحمدالله پرچم اهل بیت در اهتزاز است، ما می‌بینیم که همه مسلمانان گوشه و کنار عالم، به این نظام و به این جمهوری و به این پرچم متعالی اسلام که در این‌جا به اهتزاز درآمده است، احترام می‌گذارند و از آن احساس عزت می‌کنند. بموالاتکم تمت الکلمة و عظمت النعمة و ائتلفت الفرقة» (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با میهمانان و شرکت‌کنندگان در کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۴).

دنیای اسلام می‌تواند در مورد اهل بیت، در دو محور اتفاق و اتحاد داشته باشد:

محور اول محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی بوده و همه مسلمانان به محبت اهل بیت علیهم‌السلام امر شده‌اند: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۱</sup> (شوری/۲۳). این نکته می‌تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمانان باشد.

محور دوم، آموزش دین، معارف و احکام الهی توسط آنان می‌باشد که به موجب حدیث ثقلین، به مثابه قرآن هستند. این حدیث را شیعه و سنی و فرقه‌های مختلف اسلامی روایت کرده‌اند و مورد اتفاق همه مسلمانان است.

«آیت الله بروجردی در راه تقریب مذاهب اسلامی، معتقد بود که شیعه در قرن حاضر بر مرجعیت علمی اهل بیت تأکید کند و از طرح کردن مسئله خلافت امام علی علیه‌السلام و خاندانش سکوت نماید. وی می‌فرمود که مسئله خلافت فعلاً مورد نیاز مسلمانان نیست تا درباره آن بحث کنند، بلکه امری تاریخی و مربوط به گذشته است.

ایشان عقیده داشت اگر شیعه در اثبات مذهب خود، به مفاد همین حدیث ثقلین و به مرجعیت علمی اهل بیت اکتفا کند (در زمان حاضر که خلافت از بین رفته و حساسیتی از این لحاظ در بین اهل سنت وجود ندارد) قادر خواهد بود تا حرف خود را به کرسی بنشاند و دیگران را قانع سازد که با تمسک به اقوال و فتاوی عترت، می‌توان مسلمانان‌ها را دور هم گرد آورد و از اختلاف مذاهب آنان جلوگیری کند.» (به نقل از: واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۷۵-۲۷۷).

## (و) تعاون

ما امروزه نیازمند آن هستیم که به سخن اکتفا نکنیم و بین همه مسلمانان همکاری عملی ایجاد نماییم، چون با تعاون و همکاری، امت اسلامی به تکامل می‌رسد و رنج‌هایش کاهش پیدا می‌کند و قدرت و توان آن افزایش می‌یابد و نتایج مفیدی را به دست می‌آورد. مسئولیم تا با هم متحد و یک‌پارچه شویم و با روحیه‌ای سرشار از تفاهم فکری، با یک‌دیگر گفت‌وگوی منطقی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم و از منابع عظیم فرهنگی و فکری جهان اسلام بهره‌مند شویم.

مسلمانان باید هم‌دلی متقابل و احساس تعلق مشترک خود را دوباره به دست آورند و خود را به هم‌گرایی نزدیک کنند. ما باید در زمینه منافع و مضار مشترک، با یک‌دیگر همکاری کنیم و با

۱- بگو از شما در مقابل این (ابلاغ رسالت خود) جز محبت (قلبی و عملی) درباره خویشاوندانم مزدی طلب نمی‌کنم.

هم‌فکری حاصل از آن، بنیادهای تقرب را محکم نماییم، تا جایی که هرگاه برادر مسلمانان از ما یاری خواست، بدون در نظر گرفتن مسائل فرقه‌ای، به او یاری برسانیم و در نیکی و تقوا، یار و یاور یک‌دیگر باشیم، همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده ۲/۲) و اگر چنین معاشرت برادرانه‌ای شکل نگیرد و به یاری او نشتاییم، مصداق حدیث نبوی می‌شویم که می‌فرماید: «هر کس روزی را بگذراند و به امور مسلمانان اهتمام نوردد از آنان نیست و کسی که صدای فردی را بشنود که ندا درمی‌دهد ای مسلمانان به فریادم برسید، اما کسی پاسخش را ندهد آن کس مسلمان نیست.» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۴)

«در این برهه زمانی لازم است که پیروان مکتب اهل بیت، دو کار اساسی را وجهه همت خود قرار بدهند: در مرتبه اول، با هم آشنا بشوند، همکاری و هم‌فکری بکنند، معضلات را حل کنند، گره‌ها را باز کنند، احساس خویشاوندی نمایند و در هر نقطه‌ای از دنیا که هستند، بدانند که تعارف آنها با هم و تشکشان به شکل صحیح، قلب مقدس ولی عصر (عج) را شاد می‌کند.

دوم این که مجموعه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، در هر جای دنیا که هستند، با همه وجود باور کنند که جزئی از عائله بزرگ مسلمانان هستند، نه به زبان، بلکه با همه احساس. اگر غیر از این باشد، دشمنان اسلام و اهل بیت، حداکثر خشنودی و خوشحالی را پیدا خواهند کرد.

«از مدت‌ها پیش دشمنان اسلام، علاج کار خود و نیت‌های خبیثشان در منطقه اسلامی را در این دیدند که مسلمانان را متفرق و شعبه شعبه نموده، مشترکاتشان را تضعیف و یا کم‌رنگ کنند و به چیزهایی که آنها را از هم جدا می‌کند، تکیه نمایند. بحمدالله انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی گذاشت و بسیاری از خواسته‌ها و اهداف آنها را خنثی کرد.» (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با میهمانان و شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۴).

### ز) تعلیم و تعلم و بهره‌برداری از تجارب علمی یک‌دیگر به دور از تعصب

جهان اسلام اگر بخواهد از رخوت و رکودی که بر جسم و جان مسلمانان سنگینی می‌نماید، رها شود، بایستی همراه و همگام با علوم جدید، طرح‌هایی نو در عرصه معرفت قرآنی و دینی خویش درافکند. روی آوردن به علوم و دستاوردهای آن، نه تنها دوری از تفکر اسلامی نیست بلکه حتی به نوعی بازسازی و احیای فرهنگ قرآنی و اسلامی است (شاه‌محمدی، تابستان ۱۳۸۴ ش، ص ۳).

۱- و در هر کار خیر و تقوا یک‌دیگر را یاری دهید.

تعلیم و فراگیری علم و دانش، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است تا جاهلان در صدر امور قرار نگیرند و حادثه نکبت‌باری روی ندهد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ يَنْتَزِعُهُ مِنَ صُدُورِ الْعُلَمَاءِ وَلَكِنْ يَقْبِضُهُ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ إِذَا الْمِ يَبِيقُ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤْسَاءَ جَهَالًا فَسَأَلُوهُمْ فَأُفْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۸۳).

خروج از بحران بزرگی که اکنون امت اسلامی در آن به سر می‌برد، جز با اعاده عقل به حوزه پژوهش و تحقیق و استنتاج افکار و دیدگاه‌های علمی درست و متناسب با نیازهای فرایند اصلاحی، پیشبرد و مدرنیته امروزی و به دور از تقلید کورکورانه و پیروزی از افکار دیگران و بدون دقت نظر و پالایش عملی آنها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، برای انجام پژوهش‌های علمی و مطالعات نوین اسلامی نیازمند ایجاد مؤسسات و به کارگیری تکنولوژی مدرن در خدمت دعوت اسلامی هستیم.

علامه اقبال معتقد بود وحدت باید به دو شکل تأمین شود؛ یکی از طریق هم‌گرایی حاکمان و حکومت‌های کشورهای اسلامی و دیگری با افزایش آگاهی مردم و «تنها راهی که برای ما باز می‌باشد، این است که به علم جدید با وضعی احترام‌آمیز ولی مستقل نزدیک شویم و تعلیمات اسلام را در روشنی این علم ارزشیابی کنیم، حتی اگر این سبب شود که با کسانی که پیش از ما بوده‌اند اختلاف پیدا کنیم» (اقبال لاهوری، بی‌تا، ص ۱۱۳).

در سایه دین بدون علم چیزی جز خرافات رشد نمی‌کند. علم بدون دین چیزی جز هرج و مرج به بار نمی‌آورد. رجال قدیم چه بسیار دانا بودند که مدارس را در کنار مسجد بنا می‌کردند، زیرا همگامی میان دین و جامعه باید از دوره تعلیم شروع شود و تنها راه نجات ما از سیاست‌های تفرقه‌جویانه، پیروی از دین و از بین بردن فاصله و جدایی میان علم و دین است (قمی، ص ۲۴۲).

نباید تعصبات مذهبی باعث شود تا فرقه‌های اسلامی از تجربیات و ذخایر علمی و روش‌های خوب یک‌دیگر (فقط به علت این که شهرت و نسبت این گونه مسائل در مذهب دیگری بیشتر است) دوری جویند؛ «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸).

### ح) تربیت

امروزه تربیت اسلامی با کوتاهی مسلمانان در تهاجم غربیان قرار گرفته و نیازمند توجهی جدی و دلسوزانه است.

ما به تربیت انسان‌های مخلص و مؤمن نیاز داریم تا روابط صحیحی بین مسلمانان در جوامع مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد کنند و با روحیه تساهل و پرهیز از تعصبات قومی و نژادی، با

گفت‌وگوی آرام و منطقی و ایجاد روش‌های جذاب مبتنی بر فهم عمیق اسلامی، یک‌بار دیگر تمدن عظیم و با شکوه اسلامی را به نمایش بگذارند.

### ط) سازمان‌دهی فعالیت‌های تبلیغی سنجیده و استفاده از تکنولوژی روز

باید پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جامع و سازمان‌یافته‌ای را در زمینه دستاوردهای پژوهشی جهان اسلام تقویت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی مختلفی را به منظور گردش آزاد اطلاعات دانش و ایده‌ها ایجاد کنیم و با ارائه ایده‌های مفید و حفظ هوشیاری خود، با جریان‌های وارداتی و تهاجم فرهنگی دشمنان مقابله کنیم و مراقب باشیم تا در ما شیفتگی نسبت به تعالیم غربی به وجود نیاید. یکی از پیشنهادات مطرح در این خصوص، طرح ماهواره (شبکه جهانی) اسلامی است تا کانونی فعالی برای نشر اطلاعات صحیح، جامع و به روز باشد و باید امکانات لازم برای ایجاد این رسانه در معرفی اسلام، فراهم شود (تسخیری، ۱۳۸۳ش، ص ۸۲) تا بتواند مسلمانان را از تبلیغات سوء دشمنان و اهدافی که در پشت پرده الفاظ دهکده جهانی، خاورمیانه بزرگ و امثال آن دارند، آگاه کند و تحقق این برنامه‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای اسلامی در جهت منافع تمامی امت اسلامی است.

### ۲- راه‌کارهای سیاسی - اقتصادی

در دوران صدر اسلام، مسلمانان حکومت واحدی داشتند و به صورت شگفت‌انگیزی در مدتی کوتاه، مردم سرزمین‌های بسیاری را تحت تأثیر خود قرار دادند. آنها با پرچم اسلام و ثروت‌های فراوان خدادادی و اکتسابی بسیاری که در دست داشتند، در اوج اقتدار و درخشش بودند. از زمانی که حاکمان آنان به دنیاگرایی و جدایی از موازین اسلامی رو آوردند، این عزت کم‌کم رنگ دلت به خود گرفت تا جایی که حتی در باور خودشان نیز امید بازگشت به آن شکوه و عزتی که خداوند برای مؤمنان رقم زده است، نداشتند.

آن هنگام، دلیرمردانی به پا خاسته و ندای اسلام سر دادند و مردم را به قیام علیه مستکبران فرا خواندند و نهضت تا به آن‌جا رسید که ما اکنون در آن قرار داریم.

اینک مسلمانان تا حدودی از غفلت بیدار شده و مسیر عزت را پیموده‌اند ولی متأسفانه هنوز در زیر سلطه استکبار قرار دارند. البته شاید نام بسیاری از کشورها از لیست مستعمرات بیرون آمده و تاریخ



انقلابی برای آنها ثبت شده است، اما در حقیقت، استکبار با روش دیگری آنها را فریفته و برای اهداف پلید خود از آنها بهره‌برداری می‌کند.

در این بین منادیان بیداری اسلامی، ایده‌هایی برای بازگشت به اوج عزت و شوکت ارائه نموده‌اند که در این جا به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. البته به مواردی اشاره می‌شود که به گونه‌ای امکان تحقق آنها وجود دارد و به راه کارهای آرمانی پرداخته نمی‌شود.

برای مثال، از طرح حکومت واحد اسلامی که همه ملیت‌ها و نژادها را حذف نموده و تنها یک حکومت اسلامی در نقشه جهانی ترسیم نماید، به دلیل غیرقابل تحقق بودن خودداری می‌گردد. در ادامه به بررسی طرح‌های مهم در حیطه سیاسی و یا ایده‌های اقتصادی برای جهان اسلام (با توجه به این که بسیاری از جهان اسلام، کشورهایی ثروت مند و دارای منابع زیرزمینی و یا درآمدهای بالا هستند) می‌پردازیم:

### الف) تشکیل اتحاد جماهیر اسلامی (ایده دارالاسلام)

برخی اتحاد جماهیر اسلامی را این گونه بیان می‌کنند که هر یک از کشورهای اسلامی، جمهوری مستقلی باشند با حفظ ملیت، زبان، پرچم و پول خود، ولی با یکدیگر یک نوع هم‌بستگی و همکاری و تعاون در قلمرو سیاست خارجی، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، نظامی و مانند آن داشته باشند. این آرزو امری ممکن و عملی است و باید در اطراف این طرح، به بحث و مناظره پرداخت و برای آن اساسنامه و مقررات تدوین کرده و نحوه تحقق این همکاری را تعیین نمود. البته در صورت تحقق، باید برای همگون کردن سیاست خارجی، اقتصاد، پاسداری از فرهنگ، تمدن، قومیت‌ها، زبان‌ها و... برنامه دقیقی را طراحی کرد و به نظر می‌رسد هدف اصلی طراحان ایده تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی هم چنین چیزی بوده است ولی تا کنون این سازمان تنها در موارد خاصی، موفق بوده است (برگرفته از: واعظزاده خراسانی، پیشین، ص ۲۵۸).

اما عده دیگری نیز به گونه دیگری این طرح را مطرح و برخی اوقات با نام دارالاسلام از آن یاد می‌کنند.

برای مثال، دکتر سعید حوی از رهبران إخوان المسلمین سوریه بیان می‌کند که وضعیت جهان اسلام به گونه‌ای است که مسلمانان از مذاهب مختلف فقهی و یا اعتقادی تشکیل یافته و هر مذهب بر منطقه‌ای تسلط دارد... پس در دارالاسلام، هر منطقه‌ای که زبان واحدی دارد باید یک ایالت داشته باشد؛ منطقه شیعی نشین و یا سنی نشین باید ایالت جداگانه داشته باشد و مردم هر ایالت حاکمان خود

را انتخاب کنند و در عین حال، همه ایالات زیر نظر حکومت مرکزی باشند (فتحی شقاقی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۱).

البته به نظر می‌رسد طرح اول در صورت هماهنگی همه مسلمانان (که متأسفانه فعلاً با توطئه‌های استعمار و وجود برخی حاکمان اسلامی، بعید به نظر می‌رسد) قابل تحقق است، ولی طرح دوم، دست‌کم در ظاهر امری ناشدنی است، زیرا جدا از دسته‌بندی مسلمانان به گروه‌های مختلف فقهی یا کلامی، ملت‌ها را نیز از هم جدا می‌کند و ممکن است در یک کشور و حتی در یک استان، چندین ایالت تشکیل شود و یا برخی از ایالت‌ها دارای دو یا سه ملیت باشد.

## ب) وحدت رهبری یا شورای رهبری

### ۱) وحدت رهبری

طرح وحدت رهبری، به این معناست که یک نفر رهبری امت اسلامی را بر عهده بگیرد. در بین منادیان وحدت اسلامی در جهان، حامیان فکر وحدت رهبری کم نیستند، از جمله آنان می‌توان به افرادی مانند «دکتر کلیم صدیقی» رئیس مؤسسه تحقیقاتی اسلامی لندن، «ابراهیم زکزی» رهبر حزب وحدت اسلامی نیجریه، «استاد محمدهادی آونگ» رهبر انقلابی مالزی و... اشاره کرد که بر این نوع وحدت اصرار می‌کنند.

این طرح با سنت‌های اسلامی فریقین (شخصی با عنوان امام قیام) موافقت دارد و در قرون اولیه اسلام، وحدت رهبری در میان همه فرقه‌های اسلامی یک امر قطعی و ارتکازی شمرده می‌شده است. هم‌اکنون نیز این ذهنیت نزد اکثریت طرفداران اسلام سیاسی و انقلابی وجود دارد.

اگر روزی مسلمان‌ها بخواهند با طرح وحدت رهبری موافقت کنند، حتماً باید در کمیته‌ای مرکب از نمایندگان آنان شرایط و حدود آن را مشخص و به همه اعلام کنند و البته مشکل عمده برای تحقق آن، همان نفوذ بیگانگان و دولت‌های اسلامی وابسته به آنان می‌باشد (برگرفته از: واعظزاده خراسانی، پیشین، ص ۲۶۱ - ۲۶۵).

### ۲) شورای رهبری

شورای رهبری به چند شکل قابل فرض است که در این‌جا تنها به نوع موجه آن اشاره می‌گردد و آن به این صورت است که مردم هر یک از کشورهای اسلامی، از میان علما و پیشوایان مذهبی خود،

رهبری را برمی‌گزینند و شورای رهبری، جامع تمام این رهبران است و آنها وظایف رهبری امت اسلامی را بر عهده می‌گیرند.

این نوع از شورای رهبری، عملی‌ترین نوع وحدت سیاسی جهان اسلام به نظر می‌رسد که البته باید کیفیت انتخاب سایر رهبران و شرایط آنان، با شرایط قانون اساسی ایران، همگون و هماهنگ باشد.

با تحقق این شورا حکم رهبر انقلاب اسلامی ایران، با همان وظایف و اختیارات، در امور داخلی کشور نافذ است، ولی در مسائل جهان اسلام، با دیگر رهبران همکاری خواهد داشت و حکم شورای رهبری در این خصوص، نافذ خواهد بود. (پیشین، ص ۲۶۵ و ۲۶۶).

با تأسیس این شورای عالی، توانمندی‌های رهبران بیدارگری اسلامی برای برآورده کردن انتظارات مردم و فرهیختگان مسلمان بالا می‌رود و در عمل، رهبری مشترک بیداری اسلامی در جهان اسلام محقق می‌شود.

### ج) پیمان‌ها و قراردادهای تعاون (سرمایه‌گذاری‌های مشترک)

تا زمانی که همکاری بین مجموعه کشورهای اسلامی ممکن نیست، نباید حداقل ارتباطات را هم کنار گذاشته و به آنها توجه نکرد. برای مثال، می‌توان در سطح منطقه‌ای، مبادلات بازرگانی و تجاری را گسترش داد تا قطب قدرتمندی در درون جهان اسلام به وجود آید.

گسترش این نوع همکاری‌های منطقه‌ای علاوه بر تقویت رشته‌های هم‌بستگی، تأثیر مثبتی بر روند توسعه این کشورها خواهد داشت. کشورهای اسلامی می‌توانند با تبلور اراده خود در قالب یک سازمان منطقه‌ای، قدرت مذاکره قوی‌تری با مستکبران داشته باشند (مظفری، ص ۳۶۹).

حقیقت این است که پیمان تعاون میان مسلمانان در تمامی ابعاد مختلف فرهنگی، دفاعی و اقتصادی، در متن اسلام نهفته است و در صفحات قبل به برخی از آیات و روایات پیرامون آن اشاره شد.

۱- «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده/۲).

۲- «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۴) و «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَ هَمَّتْهُ غَيْرُ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ أَقْرَبَ بِالذُّلِّ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۸).

این متون نورانی و مقدس، ما مسلمانان را موظف می‌کند که با هم در تمام مسائل اسلامی، تعاون و هم‌فکری داشته باشیم و با دوری از انجام این وظایف، کیفری سخت در پیش خواهیم داشت.

در این‌جا باید به چند نکته اشاره نمود. نکته اول این‌که این پیمان می‌تواند میان همه کشورهای اسلامی یا تنها بین برخی از آنها منعقد شود. البته در هر دو نوع آن، مشکلاتی وجود دارد، زیرا بسیاری از این کشورها به دولت‌های بزرگ، از جمله آمریکا و انگلیس، وابسته هستند و این وابستگی، مانع می‌شود که مسلمانان به انعقاد چنین پیمان‌هایی میان خود اقدام کنند. (سجادی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۲).

تنها راه‌کار رفع این مشکل، انعقاد قرارداد بدون دخالت کشورهای غیرمسلمان است تا از شر دشمنان مصون بمانیم. پس گویی شرط مقدماتی هر تدبیری که در پی وحدت و به خصوص وحدت سیاسی مسلمین است، عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها است، که متأسفانه با نگاهی گذرا به کشورهای اسلامی، متوجه می‌شویم که تحقق چنین امری با شرایط کنونی حکام اسلامی انجام شدنی نیست.

نکته دیگر آن است که ما نباید برای پیوستن کشورهای اسلامی به قراردادها و پیمان‌های سازمان‌های بین‌المللی، از قبیل سازمان ملل، شورای امنیت و پیمان‌های فرهنگی و مانند آنها مانع ایجاد کنیم، ولی باید برای این همکاری‌ها یک شرط قرار دهیم و آن این‌که این قراردادها دست مسلمانان را در همکاری و یاری دیگر کشورهای اسلامی، در هنگام نیاز آنان و مصلحت جهان اسلام، نبندد.

#### (د) دیوان بین‌المللی اسلامی

در زمان کنونی معمولاً وقتی بین چند دولت اسلامی تنش‌ها به وجود می‌آید، کفار مستکبر برای حفظ نفوذ خود و به قصد افزایش اختلافات موجود، با بهانه دلسوزی و اصلاح، به دخالت می‌پردازند و متأسفانه برخی از کشورهای اسلامی نیز آنها را مرجع حل و فصل خود قرار می‌دهند؛ این در حالی است که خداوند ما را از این کار نهی کرده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) و تنها مرجع ما برای حل و فصل مشکلات را، مراجعه به آیات و روایات می‌داند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ

۱- و هرگز خدا برای کافران راه تسلطی (در حجت و برهان) بر مؤمنان قرار نخواهد داد.

إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء / ۵۹) و  
 اجتهاد را به عنوان روشی روشن و مشکل‌گشا در حل مسائل روز و اختلافات ما قرار داده است؛ «لَوْ  
 رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء / ۸۳).

البته طبق آیات قرآن کسانی که به رغم وجوب اطاعت از خدا و دوری از شیطان به دنبال حکم  
 دشمنان می‌روند، منافقانی هستند که به پیامبر و خداوند پشت کرده‌اند؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ  
 أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا  
 أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا \* وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ  
 إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (نساء / ۶۰ و ۶۱) و در مقابل، خداوند آنها  
 را شکست خوردگانی می‌داند که با وجود قدرت و شوکت هیچ‌گاه پیروز نمی‌شوند، زیرا خداوند  
 یاور و همراه مؤمنان است؛ «لَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِتْنَتَكُمْ شَيْئًا وَ لَوْ كَثُرَتْ وَ أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ»  
 (انفال / ۱۹)

موضوع تشکیل دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی، اولین بار در اجلاس سوم سران سازمان کنفرانس  
 اسلامی مطرح شد و پس از بررسی در کمیته‌ها و اجلاس‌های متعدد، سرانجام اساسنامه آن در  
 اجلاس پنجم سران در کویت به تصویب رسید و به رغم اختیاری بودن صلاحیت این دادگاه، اصلاح  
 ماده سوم منشور کنفرانس اسلامی که آن را به عنوان رکن چهارم سازمان معرفی می‌کند، هنوز به  
 تصویب دو سوم کشورهای عضو نرسیده است (مظفری، ص ۳۷۰).

- ۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم  
 پیامبرند) اطاعت نمایید. پس اگر درباره چیزی (از امور دین یا دنیا) نزاع داشتید آن را به خدا و رسولش  
 برگردانید (اختلاف در دین را به وسیله فقیه و اختلاف در دنیا را به واسطه قاضی به کتاب و سنت  
 بازگردانید) اگر ایمان به خدا و روز واپسین دارید، این (برای شما) بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است.
- ۲- حال آن‌که اگر آن را به فرستاده خدا و صاحبان امرشان باز می‌گردانند به یقین کسانی از آنان که اهل  
 تحقیق‌اند، به حقیقت آن پی می‌برند (و راه چاره می‌یافتند).
- ۳- آیا ننگریستی به کسانی که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و به آنچه پیش از تو (به پیامبران  
 گذشته) نازل شده ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند (در موارد نزاعشان) به سوی طاغوت (حاکمان طغیانگر  
 کفار) محاکمه برند در حالی که مأمورند به آن کفر ورزند؟! و شیطان می‌خواهد آنها را به گمراهی دور و  
 درازی گمراه سازد \* و چون به آنها گفته شود که به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی فرستاده او  
 بیایید، منافقان را می‌بینی که به تو به شدت اعراض می‌کنند و دیگران را نیز باز می‌دارند.
- ۴- و هرگز جمعیتان هر چند بسیار باشد، چیزی (از عذاب خدا) را از شما دفع نخواهد کرد و (بدانید که)  
 همواره خدا با مؤمنان است.

در این راستا سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند برنامه‌های مؤثری برای غلبه بر تمامی مشکلات موجود داشته باشد و برای رسیدن به این هدف‌ها که همگی در راستای مصالح جهان اسلام است، این سازمان باید ارکان فرعی و سازمان‌های تخصصی وابسته به خود را به جای متمرکز کردن در خدمت یک یا چند کشور معین، در خدمت تمام کشورهای اسلامی درآورد و به امور همه مسلمانان اهتمام‌ورزد.

### هـ) مسئله حقوق بشر و عدم پذیرش نوع غربی آن

کشورهای اسلامی به طور خاص به دلیل ایمان مذهبی و پای‌بندی به مقررات دین مبین اسلام، نمی‌توانند مقررات حقوق بشر غربی را به‌طور کامل بپذیرند و نسبت به مواردی که با مقررات اسلام مغایرت دارد، بی‌تفاوت باشند.

علاوه بر آن، مسئله حقوق بشر، عاملی برای تحمیل ارزش‌های غربی به دیگران و ابزاری برای دخالت در کشورهایی است که سیاست مستقلی را دنبال می‌کنند و استکبار جهانی در نظم نوین خود چنین اهدافی را در دستور کار خود قرار داده است.

ما باید با ارائه نوع قرآنی آن که قابل مقایسه با نوع غربی نیست، تسلیم زورگویی‌ها و فشارهای آنان به بهانه حقوق بشر یا مبارزه با تروریسم نشویم.

از این رو پیشنهاد می‌شود در امر اجرایی کردن اعلامیه حقوق بشر که در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ق، مطابق ۱۳۶۹ش و برابر با ۱۹۹۰ م توسط وزرای خارجه کشورهای اسلامی در قاهره تصویب شده است، تسریع شود که این حرکت می‌تواند اثرات قابل توجهی در اصلاح عمومی اوضاع حقوق بشر در جهان اسلام داشته باشد.

اینها اهدافی است که مورد نظر بسیاری از بزرگان تقریبی می‌باشد، ولی نیازمند بررسی‌های بسیار دقیق است تا برای تحقق آنها و نیز تعیین وظایف و متولیان انجام آنها، برنامه‌ریزی جامعی صورت گیرد.

در کنار تمام این مباحث باید تلاش‌هایی میان مسلمانان کشورهای مختلف و مسئولان نظام‌های اسلامی، اعم از همه ملیت‌ها و مذاهب، صورت بگیرد و همه نیت‌های پاک با تمام توانایی‌هایشان به خدمت گرفته شوند.

### نتیجه و پیشنهادها

راه کارهای مختلف بزرگان اسلام همگی تا اندازه‌ای قابلیت اجرا دارد. شاید در پتانسیل موجود کنونی راه کارهای ارائه شده بالا قابل اجرا به نظر نرسد. اما می‌توان با مثالی دردناک، عمق فاجعه عدم توجه به این راه کارها را درک کرد. به سؤال ذیل توجه کنید:

آیا می‌توان حقوق مورد اشاره مانیفست حقوق بشر را در تمام کشورهای عالم اجرا کرد؟ پس چرا هزاران سازمان مردم‌نهاد و دولتی وقت خود را صرف اجرای آن می‌کنند؟ اگر اجرایی نیست و بعضی حقوق در موارد خاص ناقض برخی حقوق دیگر است و برخی دیگر اصالتاً جزء حقوق اساسی و موازی با انسانیت نیست، پس چرا به این اندازه به آن توجه می‌کنیم؟

علت روشن پرداختن به حقوق بشر، مقبولیت عوام و حساسیت خواص است.

این‌که نسبت به راه‌کارهای یاد شده، مقبولیت عام وجود ندارد، سخنی گزاف است، اما این‌که در این امور خواص صاحب حساسیت نیستند، قابل قبول است.

شاید لازم باشد با نگاهی عمیق‌تر و با حسن ظن به خدای متعال، اهداف بزرگ یاد شده را به اجرا نزدیک و نزدیک‌تر کرد.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه مشکینی، علی، الهادی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۲. ابن ابی‌الحدید، ابوحامد عبدالحمید بن هبة الله مدائنی، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق.
۳. ابوزهره، محمد، قرآن و وحدت اسلامی، ترجمه: سید محمد صدق سجادی، حماسه اتحاد، بی‌نا، بی‌جا، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۴. اقبال لاهوری، محمد، احیای فکر دینی، ترجمه: احمد آرام، انتشارات پایا، بی‌تا.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، هم‌بستگی مذاهب اسلامی، انتشارات دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۶. تسخیری، محمدعلی، ایده‌های گفت و گو با دیگران، ترجمه: محمد مقدس، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۷. حرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۸. سجادی، سید عبدالطیف، اخوت و برادری در اسلام، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۹. شاه‌محمدی، رستم، تعامل علم و دین از دیدگاه اقبال لاهوری، فصل‌نامه ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۱ و ۲۲، تابستان ۱۳۸۴ ش.

۱۰. صعیدی، عبدالمتعال، *سعی قدیم فی توحید المذاهب اسلامی*، مجله رساله الاسلام، سال هفتم، شماره اول.
۱۱. عرفانی، محمد، *راه کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر آیات و روایات*، فصل نامه اندیشه تقرب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. فتاحی شقاقی، عزالدین ابراهیم، *شیعه و سنی غوغای ساختگی*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. قمی، محمد تقی، *لیکن شعارنا: المدرسه بجانب المسجد*، مجله رساله الاسلام، سال هشتم، شماره سوم.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مجموعه مقالات، *آوای وحدت*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. \_\_\_\_\_، *بیداری اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. \_\_\_\_\_، *منشور هم‌بستگی*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فقه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. حسنین، محمد مخلوف، *من المفتی الاکبر*، مجله رساله الاسلام، سال چهارم، شماره دوم.
۲۰. مطهری، مرتضی، *حج*، صدرا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. \_\_\_\_\_، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، صدرا، تهران، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. \_\_\_\_\_، *یادداشت‌های استاد مطهری ۷*، صدرا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. \_\_\_\_\_، *یادداشت‌های استاد مطهری ۴*، صدرا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *هم‌بستگی امت اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۲۵. واعظزاده خراسانی، محمد، *ندای وحدت*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.